

## در اتحاد شوروی چه می گذرد؟

وضع در اتحاد شوروی بفرنج است. بحران اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه را فراگرفته است. کار بجایی رسید که نمایندگان شورای عالی - پارلمان شوروی، پس از مراجعت از مرخصی دو هفته ای، حاضر به اجرای دستور روز اجلاسیه نویی نشدند و از رئیس جمهور خواستند تا در پارلمان حضور یافته و درباره بحران و طرق برون رفت از آن گزارش دهد. ص ۴ و ۵

## سازمان تروریستی برای چه ؟

ص ۸

## معضل اعتیاد در جمهوری اسلامی

ص ۲

# جنایت ادامه دارد چه باید کرد؟

"نامه مردم" به هنگام تدارک سفر دوم رینالدو گالیندوئل نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران طی نامه سرگشاده ای خواستهای خانواده های زندانیان سیاسی و نظرات حزب درباره پایان دادن به جنایات رژیم ضد انسانی "ولایت فقیه"، را به تفصیل توضیح داد. در آن روزها، یکی از خواستها نه قسط رسیدگی به وضع فاجعه بار زندانیان سیاسی بود بل، ما در حین حال اتخاذ تدابیر جدی از جانب جامعه بشری (که سازمان ملل متحد نماینده آن است) علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی را مطرح ساختیم.

به موجب اخبار رسانه های گروهی جهان، نماینده ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد که در اکتبر سال میلادی جاری برای دومین بار از ایران بازدید به عمل آورد، گزارشی در ۹۶ صفحه پیرامون نقض حقوق بشر در ایران منتشر ساخته است. گالیندوئل این بار هزاران نامه و سند و مدرک درباره نقض آشکار حقوق بشر و لگدمال کردن شخصیت انسانها در جمهوری اسلامی دریافت کرده بود. وی در سند دوم حقایق را آشکارتر بیان می کند، ترس از شکنجه و اعدام هم شهروندان عادی و هم حتی ادامه در ص ۲

# نامه مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

شماره ۳۳۷، دوره هفتم، سال هفتم، ۶ آذر ۱۳۶۹

## مردم خواهان پایان دادن به پیشداوریه ها هستند

حواداری از آزادی و دموکراسی، یعنی پذیرش پلورالیسم سیاسی و نظری و عقیدتی و اقتصادی.

آزادی و دموکراسی نمی تواند در انحصار احزاب و یا سازمان های معینی باشد.

اینکه برنامه کدام سازمان و حزب و گروه سیاسی حوادار آزادی و دموکراسی

مورد قبول اکثریت مردم خواهد بود، شرط اساسی است.

یکی از مسائلی حاد روز اپوزیسیون مخالف رژیم حاکم، تامین عمل مشترک در جبهه واحد است. هدف پیدا کردن سهل ترین و سریع ترین راه ایجاد جبهه واحد نیروهای سیاسی دارای نظرات مختلف است. "نامه مردم" در این مورد بسیار نوشته و کوشیده تا جوانب گوناگون این معضل حیاتی را تشریح کند. اما، هنوز هم مسائلی مطرح می شود که نشانگر وجود اختلاف نظر در برخورد به این یا آن سازمان و یا گروه سیاسی است.

نواندیشی یکی از ویژگیهای جهان متمدن امروزی است. هم احزاب دولتی و هم غیردولتی در جهان تلاش می کنند تا خود را با تحولات در عرصه بین المللی که بی شک در سیر رویدادهای داخلی موثر است، همساز کنند. می توان گفت اصل نواندیشی هنوز توانسته در پهنا گسترش یابد. این نظر صحیح است. ولی این هم مسلم است که احزاب حاکم و غیر حاکم مجبورند دیر یا زود معیارهای نویی را در برخورد به مخالفان دیروزی خود، انتخاب کنند. آیا چنین گامی منطقی است و ضرورت دارد؟ پاسخ ما قطعی است، آری، ضرورت حیاتی دارد! تاریخ خواه ناخواه، به حرکت خود ادامه خواهد داد و ادامه در ص ۲

## خلیج فارس

## جنگ یا مذاکره سیاسی؟

صورت بکارگیری سلاح های شیمیایی کرده است؟ به اصطلاح ارتش چند ملیتی که نیروهای مسلح آمریکا هسته مرکزی آن را تشکیل می دهد، ۱۴۰۰ هواپیمای جنگنده در منطقه متمرکز کرده است. به گفته ژنرال انگلیسی، تعداد هواپیماها بزودی بیش از پیش افزایش خواهد یافت. افزون بر این واشنگتن مصمم است ۱۵۰ هزار سرباز و اسر دیگر به منطقه اعزام کند.

در مقابل بغداد درصدد اعزام ۲۵۰ هزار سرباز دیگر به کویت است و به این ترتیب تعداد نیروهای مسلح عراقی متمرکز در کویت به ۴۵۰ هزار تن افزایش خواهد یافت. بغداد معتقد است که ایالات متحده آمریکا و متحدان آن برای آزاد کردن کویت باید حدود ۲ میلیون سرباز به منطقه اعزام کنند.

کارشناسان نظامی سرگرم محاسبه کشته و زخمی ها هستند. به نظر آنها حمله به عراق در ادامه در ص ۶

جنگ یا مذاکره سیاسی برای حل معضل خلیج فارس فقط برای مردم عراق دارای اهمیت حیاتی نیست. همه خلق های منطقه با خطر بزرگی روبرو هستند. تاکنون صدام حسین از پایان دادن به اشغال نظامی کویت امتناع کرده است. شورای امنیت سازمان ملل متحد انواع-انواع تظلمنامه های محاصره اقتصادی برای قانع کردن رژیم عراق به تسلیم اتخاذ کرده است.

در این اواخر دولت آمریکا برای آماده کردن زمینه جهت اتخاذ تصمیم برای آغاز جنگ با عراق از جانب شورای امنیت، تلاش فراوانی می کند. پاره ای از کارشناسان نظامی حتی "نمایشنامه" جنگ در خلیج فارس را هم تنظیم کرده اند. مثلا، فرمانده نیروهای نظامی انگلستان در خلیج فارس می گوید، جنگ بیش از چند روز طول نخواهد کشید. "وای به حال عراق" اگر بخواهد سلاح های شیمیایی را بکار گیرد. آنها فرمانده انگلیسی حتی لحظه ای فکر، درباره سرنوشت میلیونها انسان در منطقه در

# زنده باد آزادی و صلح ، طرد باد رژیم "ولایت فقیه" !

## مردم خواهان پایان ...

هیچ نیرویی قادر نیست که چرخ حرکت آن را به عقب بازگرداند و اصولاً چنین تلاشی بی معنا و فاقد منطق و بوی حاصل است.

حزب توده ایران به تبعیت از سنت همیشگی خود دایره به دایره هر چه عمیق تر شرایط مشخص - تاریخی واقعی نه تخیلی جامعه، به قصد تنظیم خط مشی سیاسی "زنده" (با وجود اشتباهها و در مواردی حتی بزرگ)، به این نتیجه رسید که شعار آزادی و دموکراسی و صلح می تواند سهل ترین و سریع ترین راه رسیدن به وحدت عمل نیروهای سیاسی مخالف رژیم در جبهه واحد باشد. منظور چیست؟ ما به این پرسش پاسخ داده ایم، حال می گوئیم تا موضوع را بیشتر بشکافیم.

تحلیل برنامه ها، بیانیها و اعلامیه های اکثر احزاب و سازمانها و گروهها و شخصیت های سیاسی، هر پژوهشگری را به این نتیجه می رساند که همه آنها خواهان آزادی و دموکراسی هستند. به نظر می رسد اینک همه آنها به تجربه دریافته اند که در آستانه هزاره سوم میلادی با تکیه بر توتالیترایسم (استبداد) نمی توان جامعه را از منجلاب قتر و فلاکت و عقب ماندگی نجات داد. دوران حکومت های استبدادی و خودکامه در هر شکلی از اشکال به سرآمده و انسانها خواهان آزادی و دموکراسی برای پیشرفت هستند.

درک ما از استقرار آزادی و دموکراسی در ایران چیست؟ سپردن تعیین سرنوشت کشور به دست مردم، یعنی استقرار حاکمیت واقعی مردم. برای دستیابی به این آرمان توده های میلیونی، نیاز به تفاهم ملی دارند. یعنی احزاب و سازمانها و گروهها و شخصیت های سیاسی دموکراتیک مخالف رژیم "ولایت فقیه" باید مبارزاتی گذشته برای ارزیابی سیاست کنونی همدیگر را کنار بگذارند و درباره خواستهای دموکراتیک عام و از آنجمله آزادی و دموکراسی به عنوان هسته مرکزی استراتژی اتحادها در جبهه واحد بیاندیشند. رسیدن به تفاهم ملی به منظور پیشروی در جهت خواست های عاجل مردم، قبل از هر چیز نیاز به فراگیری فرهنگ معاشرت سیاسی دارد که در چارچوب تئوری نوآندیشی حاصل مثبت خود را بار آورده. باید به پیشداوریهای رایج در ارزیابی نیروهای سیاسی که سالها حاکم بود، پایان داد. نباید فراموش کرد که در حال حاضر نه تنها شرایط، بل به همراه آن طرز برخورد و قضاوت انسانها به معضلات سیاسی نیز در حال تغییر است. این تغییرات نمی تواند در برنامه های احزاب و طرز اندیشه اعضای آنها موثر نیفتد.

می توان گفت چه تضمینی وجود دارد که گروههای پشتیبان سلطنت مستبد در گذشته، در آینده به آزادی و دموکراسی صادق باشند؟ هیچ تضمینی نمی تواند وجود داشته

باشد. سازمان های سیاسی جز تعهد اخلاقی، مراعات مفاد برنامه های جدید خود هیچگونه تضمینی نمی توانند بدهند. و این القای فرهنگ سیاسی شامل همه احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی دموکراتیک است.

هواداری از آزادی و دموکراسی، یعنی پذیرش پلورالیسم سیاسی ونظری و عقیدتی و اقتصادی. آزادی و دموکراسی نمی تواند در انحصار احزاب و یا سازمان های معینی باشد. پذیرش پلورالیسم سیاسی و نظری به مثابه سنگپایه آزادی و دموکراسی، یعنی شناسایی حاملان هرگونه نظرات سیاسی به استثنای نظرات فاشیستی و نژادپرستی. اینکه برنامه کدام سازمان و حزب و گروه سیاسی هوادار آزادی و دموکراسی مورد قبول اکثریت مردم خواهد بود، شرط اساسی است.

به باور ما، آنچه باید و می توان به عنوان شرط لازم و ضرور، صریح و روشن مطرح ساخت، عبارت است از: دموکراسی برای همه و بدون کوچکترین تبعیض. ما دانسته و آگاه روی کلمه "تبعیض" تکیه می کنیم.

اگر ما آزادی و دموکراسی را به عنوان تجلی اراده مردم می دانیم، در آن صورت باید بپذیریم که این روند قطعی می تواند از طریق انتخابات واقعی آزاد تحقق یابد. و اما، انتخابات آزاد در جامعه استبداد زده ایران قبل از هر چیز مستلزم آزادی فعالیت احزاب و سازمانها و اتحادیه های صنفی گوناگون و سندیکاها، آزادی بیان و قلم و اجتماعات، آزادی عمل در محدوده موازین حقوق مورد پذیرش جهان متمدن، مراعات اکید اصول منشور جهانی حقوق بشر و... است. همه ما می دانیم که تحقق این اهداف به زمان برای تدوین قانون اساسی و دیگر قوانین جدید نیاز دارد. به همین سبب ما از این فکر که در فاصله گذار از رژیم دیکتاتوری قرون وسطایی مذهبی کنونی به یک نظام دموکراتیک، ایجاد یک دولت ائتلاف ملی ضرور است، حمایت می کنیم.

عنصر دیگر شعار حزب برای تعیین اتحاد نیروها در جبهه واحد، مبارزه در راه صلح است. مثل اینکه با توجه به سیر رویدادهای منطقه به تکرار اهمیت این عنصر واقعا حیاتی برای مردم ما نیاز نیست. روشن است که نوسازی جامعه در شرایط استقرار آزادی و دموکراسی و صلح پیوند ناگسستنی با تامین عدالت اجتماعی دارد.

هر حزب و سازمان و گروه و شخصیتی که مجموعه این عناصر را به عنوان هسته مرکزی وحدت عمل بپذیرد، صرفنظر از اینکه خواهان چه شکل از اشکال حکومتی - جمهوری، جمهوری دموکراتیک، جمهوری فدرال، مشروطه سلطنتی - باشد می تواند در جبهه واحد شرکت جوید. نباید فراموش کرد که سازمان های سیاسی خواستهای ویژه خود را درباره شکل حکومتی ارائه می کنند. انتخاب کننده در این میان فقط مردم هستند. آنها خواهان آزادی و دموکراسی و صلح و عدالت اجتماعی هستند. آنها می خواهند که برای گشودن راه پیشروی، به هرگونه پیشداوری پایان داده شود.

## معضل اعتیاد

در

## جمهوری اسلامی

در وطن ما بیکاری یکی از مهمترین علل وانگیزه رشد و گسترش اعتیاد به مواد مخدر است. زیرا، برچنین زمینه مساعدی است که سودجویان زالوصفت با متادکردن توده های مردم شبکه بازار فروش خود را توسعه می دهند. آنها با آشنایی کامل به روحیه قربانیان خود، ابتدا مواد مخدر را به صورت مجانی و دوستانه در اختیارش قرار می دهند و سپس هر یک از این قربانیان خود بخود در این شبکه به عنوان حلقه ثانوی وارد فعالیت می شود. هر حلقه هم از دو سو در این شبکه درگیر است، نخست به حلقه فروشنده تا مصرف خود را تامین کند. و سپس به حلقه یا حلقه های خریدار وابسته است تا سودی از این راه بدست آورد. این حلقه ها به مانند کرم کدو از هر کجا که قطع شوند حلقه های دیگری را بوجود می آورد. نتیجه منطقی اینکه برای حل این معضل باید خود کرم از میان برداشته شود. قطع و یا محو حلقه ها دودی را درمان نمی کند.

بنا به آمار منتشر شده دولتی فقط در طی ۲۰ ماه گذشته تعداد کسانی که تنها به همین جرم حلقه آویز شده اند به ۱۲۷۵ نفر می رسد.

حجت الاسلام سراج الدین موسوی، فرمانده کمیته انقلاب اسلامی در مصاحبه اش با روزنامه رسالت پس از منهد ساختن ۳ شبکه تهیه و توزیع مواد مخدر در استانهای آذربایجان غربی و باختران می گوید:

"این شبکه های مسلح ورود مواد مخدر به کشور حدود ۱۰ سال در این زمینه فعالیت داشتند."

آری، حاکمیت "ولایت فقیه" که سنگ ریشه کن کردن این معضل را همچنان به سینه می زند حتی با بکار بستن روش های بسیار خشن، انجام انواع مانورها و طرحها و یا با بدآرآویختن قربانیان سودپرستی جنایتکاران بر سر هر کوی و برزن توانسته کاری از پیش ببرد. این خود دلیلی است متعجب بر این مدعا!

## جنایت ادامه دارد ...

پاره ای از مقامات بلند پایه را که با آنها درباره نقض حقوق بشر صحبت شد، مجبور می کنند هويت خود را افشا و نه نظرات واقعي خود را بازگو کنند.

در مدت اقامت گالیندویل در تهران ۴ تن از زندانیان سیاسی، علیرغم خطر جانی، آمادگی خود را برای گفتگو با وی اعلام کردند، اما ارگان های سرکوبگر به دستور مقامات عالی جمهوری اسلامی، مانع از این دیدار شدند. و این بزرگترین و مهمترین تجلی نقض ابتدایی ترین حقوق انسانی بشمار می رود و نیازی به تفسیر و تشریح ندارد.

نماینده ویژه کمیسیون سازمان ملل متحد در گزارش اخیر به فاجعه آفرینی ها در "دادگاههای انقلاب" اشاره می کند و می نویسد، زندانیان مورد شکنجه قرار می گیرند، با آنها بدرفتاری می شود، و سپس اعدام می شوند. بازداشت شدگان حتی حق دفاع از خود را ندارند. محاکمات علنی نیست و اتهام دستگیرشدگان بلافاصله به آنان اطلاع داده نمی شود. همه اینها نقض آشکار ابتدایی ترین موازین حقوقی مورد پذیرش بشریت متصن است و سازمان ملل متحد سالهاست با این سیستم ضد انسانی رایج در جمهوری اسلامی از طریق هزاران نامه با میلیونها امضا جمع آوری شده آگاه گشته است.

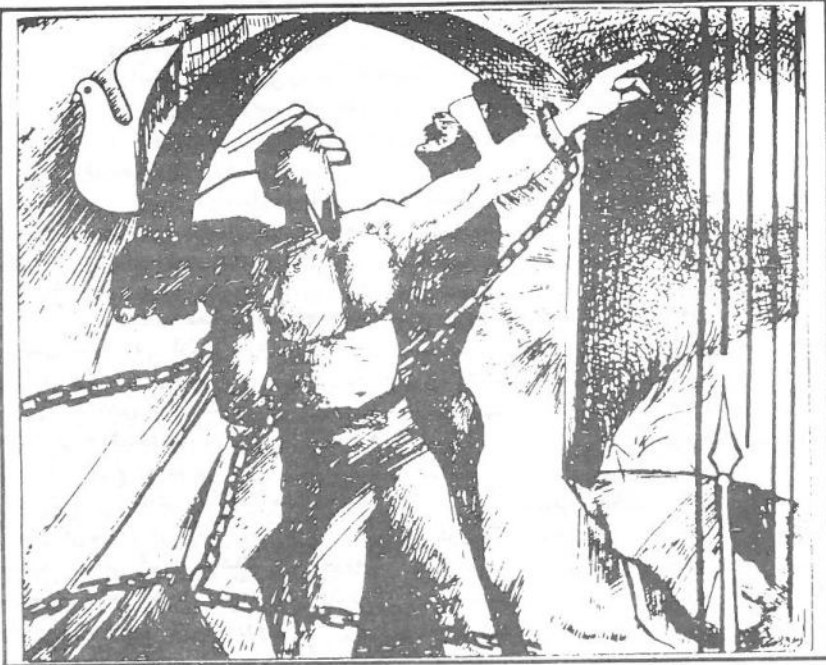
گالیندویل از محدودیت های گوناگون درباره مطبوعات، انتشار کتب، جلوگیری از خلاقیت هنری هم سخن می گوید، وی می نویسد، رژیم از تشکیل احزاب سیاسی و سازمان های صنفی و برپایی گروههایی ما بشدت جلوگیری می کند.

کوتاه سخن، مطالب انتشار یافته در گزارش دوم آقای گالیندویل بیشتر به حقایق تلخ در جامعه ما نزدیک است. حقوق بشر در ایران به طرز گستاخانه ای نقض می شود.

اخیرا سازمان عفو بین الملل هم طی اعلامیه ای، بار دیگر اقدامات ضد بشری رژیم جمهوری اسلامی را فاش ساخته است. در اعلامیه از ادامه دستگیری ها و شکنجه ها و اعدام ها سخن می رود و گفته می شود، هنوز صدها نفر به علت داشتن باورهای سیاسی و فعالیت های مسالمت آمیز سیاسی در ایران زندانی هستند. اکثر آنها، بدون آنکه ادعا نامه ای درباره شان صادر شود و یا در دادگاهی محاکمه شده باشند در زندان بسر می برند. عده بسیاری در جریان محاکمات کاملا تشریفاتی در دادگاههای انقلاب اسلامی محکوم به اعدام شده اند. این زندانیان را شکنجه کرده اند و به آنها حق داشتن وکیل مدافع نداده اند.

از اعلامیه سازمان عفو بین الملل چنین برمی آید که - چنانکه "نامه مردم" به موقع خود در تفسیری پیرامون آزادی موکلی برخی از زنان زندانی نوشته بود - آزادی موکلی زندانیان سیاسی زن، مانوری بوده در آستانه سفر هیئت ویژه کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد به ایران. در اعلامیه گفته می شود که زنان موقتا آزاد شده، دوباره به زندان برگردانده شده اند.

اعلامیه باز هم درباره سرنوشته دردآور ۲۰ تن از امضاکنندگان نامه ۹۰ نفری و ۸ زن زندانی سیاسی می نویسد، از جمله این زنان زندانی، از مریم فیروز رهبر سازمان دمکراتیک زنان در ایران نام برده می شود. وی از ابتدای دستگیری در سال ۱۹۸۲ تاکنون در سلول انفرادی در زندان اوین بسر می برد. زنان زندانی سیاسی مستمرا زیر شکنجه های جسمی و روحی قرار می گیرند تا علیه اعتقادات سیاسی خود سخن بگویند. عده ای از آنان را برای تهمت زدن به شوهرانشان که در زمره هزاران اعدام شدگان سیاسی هستند، زیر فشار قرار می دهند. کتک می زنند، از دیدار بستگانشان محروم می کنند و به سلول های



آزادخواهان شیلی، به موقع خود با راه اندازی مبارزه مشترک و حساب شده جمعی در سراسر جهان به آن (پایان دادن به حیات منحوس رژیم ترور و اختناق) موفق شدند، دست یابیم. بلکه حتی نخواهیم توانست افکار عمومی جهان را به اعتراض فراگیر علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی تجهیز کنیم.

آری، باید در اینگونه موارد از تجربه دیگران بهره گرفت. باید با عمل مشترک از دولت های جهان خواست تا اقدامات جدی درباره قطع "ترور دولتی" در جمهوری اسلامی به عمل آورند. در دنیایی که می خواهد به سوی آزادی و دمکراسی پیش رود، نباید به ادامه آزادی کشی در وحشتناک ترین شکل آن در جمهوری اسلامی اجازه داده شود.

اما، آنچه مربوط به اعضا و هواداران حزب در مهاجرت است، باید بی پرده گفت، بسیاری از ما له مبارزه در راه آزادی زندانیان سیاسی را "کندتر" کرده ایم. پیکار در راه آزادی همه زندانیان سیاسی یکی از عمده ترین و اساسی ترین وظیفه فرد - ماست و نباید آن را لحظه ای به دست فراموشی سپاریم. در این زمینه ابتکار فردی و گروهی دارای اهمیت خاصی است و نباید در انتظار "دستور" و یا "فراخوان" از "بالا" ماند.

ما، می توانیم در هر کشوری با جمع آوری امضا زیر متن کوتاهی خطاب به رهبران آن کشور، توجه آنها را به جنایات در رژیم جمهوری اسلامی جلب کنیم. باید در هر محلی رسانه های گروهی را مرتباً در جریان فجایع رژیم گذاشت. می توان با جمع آوری امضا از ایرانی و غیر ایرانی، از دبیرکل سازمان ملل متحد خواست تا تدابیر عاجلی در جهت پایان دادن به نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی اتخاذ کند.

می توان برای جلب افکار عمومی، با تدارک قبلی، اعتصاب های غذا در آن واحد در کشورهای مختلف با شرکت همه ایرانیان آزاده خواه و دمکرات سازمان داد.

کوتاه سخن، حرف برسر ادامه پیکار جدی و پیکار در راه آزادی همه زندانیان سیاسی است. هر قدر شرکت کنندگان در این مبارزه از نظر وابستگی به احزاب و سازمانها و گروهها متعدد باشند، جنبش نیرومندتر و موثرتر خواهد بود. در این مورد ابتکار از "پائین" پررنگتر و سریع تر از در انتظار نشستن دستیابی به توافق از "بالا" خواهد بود.

انفرادی می اندازند. در اعلامیه خاطر نشان می شود که، حداقل ۵۰ زن زندانی سیاسی به علت خودداری از امضای ندامت نامه دایره به دست برداشتن از عقایدشان هنوز هم در زندان بسر می برند.

آنچه در این نوشتار، از دو سند دو سازمان مدافع حقوق بشر نقل کردم، برای ما ایرانیان تازگی ندارد. ما از جنایات خونین رژیم خودکامه "ولایت قتیبه" که در تاریخ معاصر کشور بیسابقه است،

○ اگر ما متحدا، در صف واحدی گام در عرصه مبارزه سرسخت و پیگیر نگذاریم، اولاً، دشمن مشترک با استفاده از پراکندگی ما همچنان به وارد آوردن ضربه ادامه خواهد داد. ثانیاً، ما نه تنها قادر نخواهیم شد مثلاً به آنچه آزادخواهان شیلی، به موقع خود با راه اندازی مبارزه مشترک و حساب شده جمعی در سراسر جهان به آن (پایان دادن به حیات منحوس رژیم ترور و اختناق) موفق شدند، دست یابیم. بلکه حتی نخواهیم توانست افکار عمومی جهان را به اعتراض فراگیر علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی تجهیز کنیم.

○ باید با عمل مشترک از دولت های جهان خواست تا اقدامات جدی درباره قطع "ترور دولتی" در جمهوری اسلامی به عمل آورند. در دنیایی که می خواهد به سوی آزادی و دمکراسی پیش رود، نباید به ادامه آزادی کشی در وحشتناک ترین شکل آن در جمهوری اسلامی اجازه داده شود.

آگاهیم. حرف برسر آن است که آیا نیروهای دمکراتیک و مترقی کشور از آنچه درباره پایان دادن به این فاجعه هولناک کرده اند، راضی هستند؟

اکنون دیگر این توده ای ما و هواداران دیگر سازمان های چه نیستند که قربانی می شوند. فاجعه دامن همه دگراندیشان را گرفته است. و این خود دلیل بارز ضرورت عمل مشترک همه نیروهای سیاسی ضد رژیم "ولایت قتیبه" است. اگر ما متحدا، در صف واحدی گام در عرصه مبارزه سرسخت و پیگیر نگذاریم، اولاً، دشمن مشترک با استفاده از پراکندگی ما همچنان به وارد آوردن ضربه ادامه خواهد داد. ثانیاً، ما نه تنها قادر نخواهیم شد مثلاً به آنچه



وضع در اتحاد شوروی بفرنج است. بحران اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه را فراگرفته است. کار بجایی رسید که نمایندگان شورای عالی - پارلمان شوروی، پس از مراجعت از مرخصی دو هفته ای، حاضر به اجرای دستور روز اجلاسیه نوبتی نشدند و از رئیس جمهور خواستند تا در پارلمان حضور یافته و درباره بحران و طرق برون رفت از آن گزارش دهد.

۱۷ نوامبر میخائیل گارباجف رئیس جمهور اتحاد شوروی گزارش مفصلي از وضع اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه به نمایندگان داد. با توجه به اینکه آنچه در اتحاد شوروی می گذرد، تاثیر زیادی در سرذوشت همه جهان دارد. ما می کوشیم تا خلاصه ای از وضع موجود در آن کشور را به معرض قضاوت خوانندگان بگذاریم.

هستیم". "هرج و مرج و بحران ژرف همه جا را فراگرفته". می رود. و درباره همه اینها چنان سخن می گویند که انکار چنین وضعی بخودی خود بوجود آمده است. حال آنکه وضع موجود محصول کار هدفمند در راه فروپاشی حکومت است.

۱. آساتیانی، معاون اول نخست وزیر گرجستان، چندی پیش در گرجستان نخستین انتخابات چند حزبی پایان یافت. شورای عالی جدید مرحله گذار به احیای استقلال دولتی گرجستان را اعلام کرد که در سال ۱۹۲۱ در نتیجه تجاوز روسیه شوروی آن ایام از بین برده شده بود. جمهوری گرجستان قرارداد اتحاد را امضا نخواهد کرد، زیرا از لحاظ حقوقی دیگر در ترکیب اتحاد شوروی نیست.

۲. گاربوف صدر شورای عالی لتونی، پارلمان کشور با اکثریت آرا بیانیه مربوط به احیای استقلال دولتی را به تصویب رسانده و پدینسان نظر خود درباره قرارداد اتحاد را بیان کرده است. پارلمان لتونی این قرارداد را امضا نخواهد کرد.

۳. ل. تر - پتروسیان، صدراعظم شورای عالی جمهوری ارمنستان، به تدابیر مشخص و مکانیسم های موثر نیاز است. چنین مکانیسم ها نه در سخنرانی ریاست جمهوری و نه در سخنرانی های دیگر در نظر گرفته شده است.

وی پس از تکیه روی پدیده های منفی مانند هرج و مرج در اقتصاد، وخامت اجتماعی و ملی فلج حاکمیت، خواهان ادامه جستجوی برون رفت از وضع بفرنج کنونی شد.

۴. یو. لاکن نماینده خلق اتحاد شوروی از استونی، موضوع ما باید برای همگان روشن باشد. خلق استونی در سال ۱۹۲۰ انتخاب خود را کرده است. ما علت ازمه پاشی دولت خود در سال ۱۹۴۰ را هم می دانیم. حالا، دولت در سمت احیای استقلال حکومتی پیش می رود.

۵. و. فوکین، نخست وزیر اوکراین، به نظر وی، هر مین پهرست واقعی اظهارات رئیس جمهور را درباره اینکه حال نباید قسط دفاع کرد، بلکه در عین حال پورش نیز برد، باید با علاقه بپذیرد. اکنون، از دست ندادن زمان دارای اهمیت است.

ما امروز چه داریم؟ فروپاشی مداوم اقتصاد، تورم سرسام آور، گسست ارتباطات حیاتی اقتصادی، سیستم اعتباری - مالی و پولی در حال احتضار. وی گفت که عدم متدولوژی سفارش دولتی به انرژی کامل سازماندهی تولید اجتماعی منجر شده است.

به نظر او پایه و اساس بحرانی که بر اتحاد شوروی اثر منفی گذارده و با بحران اقتصادی و سیاسی روبرو ساخته عبارت است از، سیاست ناپیکیر و بغضا حتی فاقد منطق رهبری.

پاریس پلسین، صدر شورای عالی جمهوری روسیه، بحران در جامعه محصول مناسبات شخصی سیاستمداران نیست. ما همه شاهد بحران نظام

رئیس جمهور در گزارش خود وضع بحرانی کشور را شکافت. او، موافقت خود را با دگرانیهای نمایندگان از وضع کشور ابراز داشت و گفت، "وضع در عرصه اجتماعی - اقتصادی، در بازار مصرف فعلا بهبود نمی یابد، بلکه بفرنج تر هم می شود. وضع سیاسی کشور هم بفرنج تر و حادثتر می گردد. حدت مناسبات ملی کاهش نمی یابد و در برخی مناطق شکل بسیار خطرناک به خود می گیرد. ما شاهد فشار نیروهای مخرب هستیم که مانع انسجام جامعه، برای برون رفت از بحران است. علت این رویداد هم روشن است، مبارزه واقعی سیاسی و مبارزه برسر قدرت باحدت در جریان است. و در مرحله کنونی رشد واقعی جامعه ما، می شد آن را در کلیاتش یک امر عادی تلقی کرد. اما، نمی توان ندید که این مبارزه خصلت روهارویی بخود می گیرد و شرکت کنندگان در آن از استفاده هیچ وسیله ای کراهت ندارند.

در کشور به "حربه" عمل ضد قانون اساسی متوسل می شوند، آشکارا قوانین را نادیده می گیرند و به وخامت در جامعه دامن می زنند. در برخی از مناطق کشور نیروهای سیاسی با رنگ آشکارا قهوه ای ظاهر شده اند و با تکیه بر زور عمل می کنند. دغلیبازی بی فرمانه با افکار صوموی جریان دارد، صدای بلند گوهایی میپینگی را به عنوان صدای مردم جا می زنند. تلاش بی رحمانه ای برای بی اعتبار ساختن نهاد حکومتی - دولتی حامل ایده حکومت اتحاد فدراتیو انجام می گیرد.

رئیس جمهور سپس به تدابیر بسیار مشکل و مشخص گذار به بازار و پایان دادن به بحران اشاره کرد و گفت، "با فرمان از یک محل واحد کارزار علیه تحقق این تدابیر آغاز شده است. در اینجا نیز همه چیز روشن است - می خواهند از وخامت وضع در جامعه با تمیت از اصل "هرچه بدتر، بهتر" برای دستیابی به اهداف سیاسی خویش استفاده کنند. - البته می کوشند تا آن را در بسته بندی دیگری عرضه دارند."

میخائیل گارباجف با ارائه ارقام درباره تولید محصولات کشاورزی، موضوع گرسنگی در زمستان را که برخی از رسانه های گروهی شایعه می کنند، تکذیب کرد.

مثل اینکه اظهارات رئیس جمهور برای نمایندگان قانع کننده نبود. ما، خلاصه ای از برخی اظهارات نمایندگان شورای عالی اتحاد شوروی را نقل می کنیم. کاماروف نماینده پارلمان، "مسئله صده حیات کنونی کشور تحکیم حاکمیت، انضباط و نظم قانونی است. رژه استقلال از جمهوری های اتحاد شوروی گرفته تا شوراهای روستایی و جنگ قوانین در کشور، بی قانونی بیسابقه ای بوجود آورده است.

و. کویبچ، نخست وزیر بلاروسی، امروز ما باید اتحاد را حفظ کنیم. و باید اتراف کرد که این اتحاد قسط در قانون اساسی وجود دارد. عمل ما چگونه باید باشد؟ میان شخصیت های سیاسی و در رسانه های گروهی سخن از جملاتی از نوع "ما در مرز فاجعه

در

## اتحاد شوروی

## چه می گذرد؟

توتالیتاریسم هستیم که هنوز هم وجود دارد. به گفته وی، حالا که برنامه دولت به مورد اجرا گذارده شده و آن هم نه با قراردادهای دولتی، بل با مصوبات صادره از جانب ریاست جمهوری تحقق می یابد.

او، به رئیس جمهور کشور پیشنهاد کرد تا از دفاع از ساختار کینه و نیز ترکیب دولت کنونی دست بردارد. او از پارلمان خواست که همانند پارلمان روسیه به کابینه رهزوف رای عدم اعتماد بدهد. به عقیده وی به جای دولت کنونی باید یک ارگان ائتلافی که بتواند کار نه تنها مرکز، بلکه فعالیت جمهوری ها را هم هماهنگ سازد، بوجود آید.

به عقیده وی، مفضل شماره یک برای کشور روسیه مفضل بحران مواد غذایی است. در ششمین سال دگرگونسازی اظهار اینکه وضع کنونی عادی است، فاقد معناست. او، دعوت کرد تا تکبر را کنار گذاشته و برای دریافت هرچه سریع تر کمک مواد غذایی به غرب مراجعه شود، به گفته وی، در غیر اینصورت گرسنگی اجتناب ناپذیر است.

آ. آجانف، نماینده خلق اتحاد شوروی از ازبکستان، اعتبار اعتماد خلق به پایان می رسد. ارتباطات اقتصادی که طی هفتاد سال بوجود آمده بود از هم می گسلد. کشور عظیمی با منابع طبیعی سترگ به تفرقه نزدیک می شود. شاهد گسترش بزهاکاری و فلج دولت هستیم. چرا این روند جریان دارد و مقصر کیست؟ اولاً، مکانیسم سیستم فرماندهی - اداری آخرین ساعات خود را می گذراند و این خواست ما در آغاز دگرگونسازی بود. ثانیاً، مناسبات نوین سیاسی و اقتصادی میان ملیت ها هنوز در حال جینی است و قادر به اداره روند نیست.

به جای اینکه از "طوفان" مهلك جلوگیری کرد، هرکس از گوشه ای به آن دامن می زند، مرزهای کژائی اقتصادی اعلام می شود، پارلمان ها یکی پس از دیگری قوانینی مغایر قوانین اتحاد شوروی تصویب می کنند، اتحاد شوروی هم قوانین مخالف قوانین جمهوری ها به

ممدودی از نمایندگان خلق را نقل کردیم. ۱۸ نوامبر پس از گشایش جلسه نوبتی پارلمان، میخائیل گارباجف باردیگر رشته سخن را به دست گرفت. گویا انتقاد نمایندگان تاثیر زیادی داشته است. رئیس جمهور طی سخنرانی کوتاهی برنامه خروج از بحران را در هشت ماده به نمایندگان ارائه کرد. هر یک از این ماده ها، در صورت تحقق یافتن شان مجموعه ایست از برنامه عمل درباره مسائل حاد مردم شوروی. ما، مضمون این مواد را در زیر به اطلاع خوانندگان می رسانیم.

۱- تبدیل شورای فدراسیون از ارگانی مشورتی به ساختار موثر همگون کردن تلاش مرکز و جمهوری ها. همه مسائل کشوری و تک - تک جمهوری ها باید قبلا در شورای فدراسیون مورد توافق قرار گیرد. ارگان کار دائمی شورا عبارت خواهد بود از کمیته ای مرکب از کارشناسان عالی مقام جمهوری ها و دارای اختیارات وسیع.

۲- در این شرایط شورای ریاست جمهوری ملتی می شود و شورای امنیت کشور در جنب ریاست جمهوری ایجاد می گردد، باید توه اجرایی سرهما تجدید یابد و تحت نظارت ریاست جمهوری قرار گیرد. انجام تغییرات ساختاری و کادری، به منظور الغای حلقه های کهنه شده و ایجاد حلقه های نوین ضرورت عاجل دارد. باید افراد با ابتکار و کارکنان دارای طرز تفکر نوین وارد شورای وزیران شوند. باید مسئله معاون رئیس جمهور حل گردد. در حین حال باید تدابیری جدی برای اثربخشی کار شوراهای محلی اتخاذ گردد.

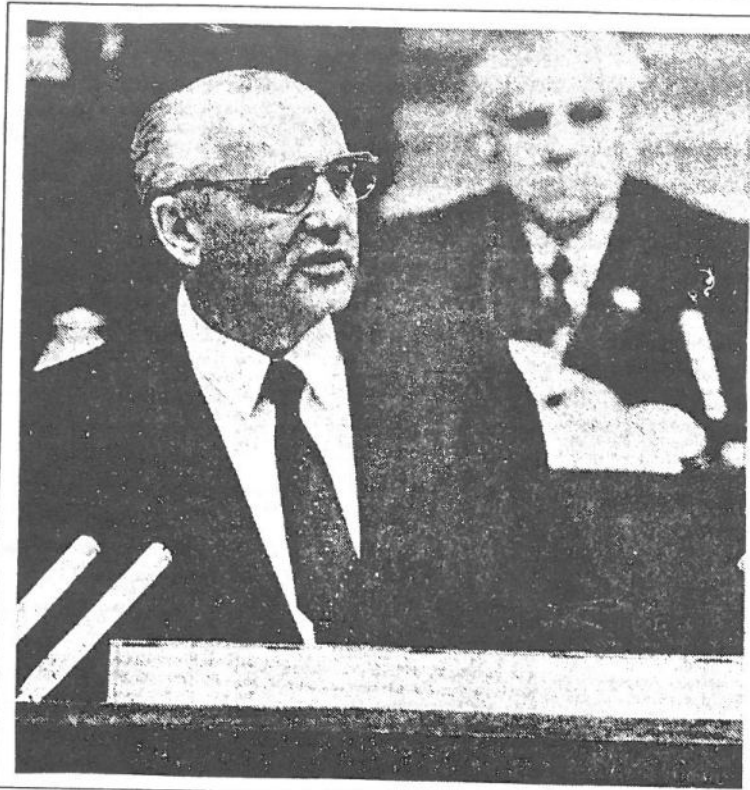
۳- تحکیم نظام و انتظام حقوقی و تامین امنیت هر شهروند کشور. در این زمینه به تدابیر سازمانی عاجل و تغییرات کادری در مرکز و جمهوری ها نیاز است. باید قوانین تصویب شده به مورد اجرا گذارده شود. پیشنهاد می شود تا در چارچوب اداره امور توسط ریاست جمهوری کمیته هماهنگ سازی فعالیت ارگان های قضایی بوجود آید. باید برای مبارزه با بزهکاری سازمان داده شده، احتکار و دیگر تظاهر بزهکاری که جامعه را فراگرفته، اداره ویژه ای در جنب ریاست جمهوری تشکیل شود. باید به منظور تحقق بخشیدن به قوانین و نیز کنترل قرارها و دستورات، نهاد کنترل در جنب ریاست جمهوری بوجود آید. این نهاد باید ماموران ویژه صاحب اختیار در همه مناطق باشند.

۴- درباره مواد غذایی. منابع کشور در مقایسه با سال گذشته کاهش نیافته است. حرف برسر تنظیم سیستم توزیع و تامین اهالی با مایحتاج اولیه، و اجرای دقیق تعهدات استانی و جمهوری هاست.

۵- ضمانت ویژه برای ادامه حیات کشور. تامین عملکرد بی وقفه حمل و نقل با راه امن و تامین انرژی است.

۶- درباره قرارداد اتحاد. هدف نوسازی و حفظ اتحاد است. هدف تقسیم صلاحیتها و اختیارات و نوسازی کیفی همه ارتباطات صودی و اقی است. هدف مخالفت قاطع علیه تکه - تکه کردن حاکمیت و قطعه - قطعه کردن اراضی و نیز علیه فروپاشیدن مناسبات خلقهاست که قرنهای شکل گرفته.

۷- عطف توجه به مشکلات ارتش و تامین اجتماعی ارتشیان و خانواده های آنان. شورای عالی



غیرقابل بازگشت روی داده که نمی توان آنها را نادیده گرفت.

در جمهوری ها ایده استقلال به نیروی جاذبه عظیمی تبدیل شده و انواع جنبش های اجتماعی - سیاسی از آن بهره می گیرند. اصلاحات سیاسی هم به گوناگونی نظرات درباره آینده اتحاد شوروی در مجموع خود و نیز آینده جمهوری ها، منجر گردیده است. تمایل به استقلال در جمهوری های ملی به واقعیت تبدیل شده است. در حین حال اصلاحات اقتصادی درجا زده و پدیده های بحرانی جدید در اقتصاد بروز کرده است. این سیاست پیش از اقتصاد برمناسبات اقتصادی میان مناطق موثر می اشد. نتیجه، از بین رفتن ارتباطات اقتصادی و ازهم پاشی فضای اقتصادی است.

۱. سوپچاک، صدر شورای شهر لنینگراد، به عقیده او، گزارش رئیس جمهور فاقد مسئله اصلی مورد نظر پارلمان و مردم، یعنی برنامه دقیق خروج از بحران بود. دوران بدیهیه گویی سیاسی، زمان اقناع و بیانیه پایان یافته است. وضع کشور فوق العاده است و خواهان اتخاذ تدابیر فوق العاده می باشد.

دمکراسی هم مسغولیت و هم مراعات اکید قانون است. باید دمکراتیزه کردن را با استمرار نظم قاطع به هم پیوند داد. و این قبل از هر چیزی جز به معنای رفرم رادیکال در مجموعه دستگاه مرکزی دولت شوروی نیست. حفظ آن در شکل سابق در تضاد با بیانیه مربوط به استقلال جمهوری های شوروی است.

در خاتمه وی چهار موضوع را برجسته کرد و خواهان حل هرچه زودتر آنها شد. مواد غذایی، ثبات مالی، اجرای بدون وقفه اصلاحات ارضی و برنامه خصوصی کردن موسسات دولتی.

ما در اینجا فقط گوشه هایی از سخنرانی های

تصویب می رساند. تمهد تحویل کالا و مواد غذایی به هم می خورد، فرمان های ریاست جمهوری نادیده گرفته می شود.

دمکراسی و پلورالیسم به علت اعمال غیرمماهرانه ما، انارشی کامل و دماغوژی ایجاد می کند. پاسخ مقصر کیست هم جز این نیست. تلاش قاطع و بمضا توهین آمیز گذاردن گناه به گردن رئیس جمهور مشاهده می شود. این سیاست بیشتر از نگرانی درباره سرنوشت مردم نشات می گیرد، بلکه برای ایجاد بی ثباتی به قصد قبضه کردن حاکمیت اعمال می شود.

۱. آساندایف، صدر شورای عالی کازاخستان، وضع در کشور فوق العاده است. بی حاکمیتی حکمفرماست. ارگان های اجرایی و حقوقی به وظایف خود عمل نمی کنند. و اجلاسیه باید آنها را وادار به عمل کند.

به گفته سخنران، علت اساسی وضع کنونی در نقض استراتژی است. اما تاکتیک آگاهی دیروقت، کشور را به نابودی می کشاند. خیلی ها در این زمینه گناهکارند اما قبل از همه دولت و ارگان های اجرایی مقصر هستند. گذار به بازار اعلام شده، ولی در سطح بالا تغییراتی بوجود نیامده است. در حالی که گذار به بازار نیاز مبرم به حاکمیت اجرایی نیرومند و با وجهه دارد. باید امضای قرارداد اتحاد هرچه زودتر پایان یابد. کشور نیاز به تدابیر فوق العاده برای برون رفت از وضع کنونی دارد.

۱. غغارف، صدر شورای عالی آذربایجان، از نقطه نظر نمایندگان آذربایجان یکی از علل وضع بحران کنونی کشور عبارت از آنستکه، جلسات شورای عالی به موازات حوادث خودبخود رشد یافته تشکیل می شود و قادر به تاثیر در رشد آنها نیست. در نتیجه، امروز اتحاد جماهیر شوروی هم هست وهم نیست. در کشور در مقابل دیدگان همگان روندهای

## خلیج فارس جنگ ...

فاصله ژانویه - مارس ۱۹۹۱ می تواند آغاز شود. مرکز اطلاعات دفاعی واشنگتن تحلیلی را منتشر ساخته که طبق آن برای پیروزی آمریکا بر عراق، جنگ حداقل باید سه ماه ادامه یابد. در جریان جنگ از هر دو طرف ۶۵ هزار تن کشته و حداقل ۲۳۰ هزار تن معلول خواهند شد. هزینه جنگ به ۵۰ میلیارد دلار بالغ می شود.

آیا کارشناسان، خسارات عظیم ناشی از مرگ تدریجی محیط زیست در نتیجه آتش سوزی عظیم در چاههای نفت و به احتمال قوی مرگ انسانها را نیز در نظر گرفته اند؟ صدام حسین می گوید که می تواند سالها به جنگ دفاعی ادامه دهد و در صورت لزوم به دشمن تلفات زیادی وارد سازد و اگر ضرور باشد شبه جزیره عربستان را به مشعل فروزان مبدل کند.

از سوی دیگر شیخ جبارالاحمد الصباح، امیر کویت و یکی از بزرگترین ثروتمندان جهان در نامه ای به شرکت کنندگان اجلاس پاریس خواهان عملی جدی شده است. او می گوید: نباید زمان را از دست داد.

واشنگتن و لندن در ظاهر از طرفداران جدی آغاز جنگ هستند. بوش، رئیس جمهور آمریکا تصمیم داشت در مسافرت اخیرش به اروپای غربی برای شرکت در اجلاس پاریس، اعضای شورای امنیت را به دادن رای درباره حمله به عراق قانع کند. اما، چنین به نظر می رسد که با وجود فعالیت

بسیار جیمز بیکر، واشنگتن در تلاش خود موفق نشده است. با استغای تاجر از مقام نخست وزیری، بریتانیای کبیر هم هنوز برای مدتی در تصمیم گیری متردد خواهد بود. حتی فرانسه که طبق محاسبه محافل رسمی آمریکا می باید به قطعنامه آغاز جنگ علیه عراق رای دهد، با پیشنهاد واشنگتن موافقت نکرد و فقط آمادگی خود را برای "مذاکره" پیرامون مسئله اعلام داشت.

"زوتیر" از پاریس خبر می دهد که میخائیل گاربایف به هنگام ملاقاتش در پاریس با بوش، حرکت ایالات متحده به سوی تصویب قطعنامه در سازمان ملل متحد برای آغاز جنگ با عراق را به ترمز برآورده. هم اکنون ریاست شورای امنیت به عهده نماینده آمریکاست و واشنگتن می خواست از این فرصت استفاده کند. از اول دسامبر ریاست شورای امنیت به نماینده چین واگذار خواهد شد.

۱۸ نوامبر کهل، صدراعظم آلمان، طی یک سخنرانی رادیویی گفت: جنگ با عراق "هرچه بیشتر اجتناب ناپذیر" می شود. گرچه بید به نظر می رسد جنگ قادر به پایان دادن به بحران کنونی گردد. وی گفت: کسی که تصور می کند بحران را می تواند از طریق نظامی حل کند، قبل از هر چیزی باید نه دربارۀ آغاز، بلکه به پایان چنین عملی بیاندیشد. بی آمدهای جنگ چگونه خواهد بود؟ تصادد قربانیان چقدر می تواند باشد؟ و آیا جستجوی راه حل سیاسی معضل، در آخرین تحلیل برتریّت ندارد؟

پاپ پاول دوم هم در ۱۸ نوامبر در یک پیام پرحرارتی جهانیان را به جلوگیری از آغاز جنگ در

خلیج فارس فراخواند. وی از اجتماع گردآمده (۲۰ هزار نفر) در میدان "پتر مقدس" خواست تا "گفتگوی صریح و صادقانه" پیرامون حل بحران آغاز گردد.

رسانه های گروهی معتقدند که واشنگتن به موازات فراخوان به آغاز جنگ، انواع اشکال سازش با عراق را نیز بررسی می کند. در حالی که وزیر امور خارجه آمریکا خواهان خروج بی قید و شرط ارتش عراق از کویت است، در محافل سطح "پائین" وزارت خارجه سرگرم پیدا کردن راه حل کاملاً متفاوت هستند. به نوشته روزنامه "وال استریت ژورنال" راه حل جدید عملاً از آزاد کردن کویت با توسل به زور سرفنظر می کند، اما مسئله نگهداری ۱۰۰ هزار تن نیروی مسلح در عربستان سعودی را برای مقابله با عراق مد نظر قرار می دهد. بخش عمده نیروهای مسلح آمریکا باید تا بهار منطقه را ترک گویند.

از دید "منافع حیاتی" ایالات متحده در آمریکا، این فکر یعنی حفظ نیروهای آمریکایی در عربستان سعودی به قصد "جلوگیری از حمله عراق"، منطقی به نظر می رسد. اگر جنگ آغاز شود و با شکست عراق پایان یابد، واشنگتن بدون قید و شرط باید از خلیج فارس و عربستان سعودی بیرون برود.

به باور ما، بهترین راه، حل عربی مسئله خاور نزدیک و خلیج فارس است. هرچه زودتر کشورهای عربی به تفاهم در این زمینه برسند، هم به نفع خلق های عربی و هم به نفع مردم ماست.

\*\*\*

وی جای خالی وجود داشت. در سخنرانی دقت کالی به حلقه های اساسی بازار مجموعه کشور، یعنی به زحمتکشان توجه نشده است. درحالی که همه سنگینی اصلاحات اقتصادی به دوش آنها گذارده شده است.

وی قاطعانه با پیشنهاد آفانسیف پیرامون متوقف ساختن قانون اساسی مخالفت کرد. به گفته وی این عمل می تواند به بی آمدهای ترازیک به جنگ داخلی بینجامد. از این دیدگاه او، اعلام کرد که از عضویت در گروه نمایندگان بین مناطق استعفا می دهد.

پس از بحث مفصل درباره سخنرانی رئیس جمهور، شورای عالی گزارش م. گاربایف در جلسه ۱۷ نوامبر ۱۹۹۰ شورای عالی را در کلیت به تصویب رساند و به کمیته ها و کمیسیون های مربوطه ماموریت داد تا با توجه به پیشنهاد نمایندگان آن را تکمیل و برای تصویب نهایی به پارلمان بدهند.

چنین است وضع در اتحاد شوروی. بحران سراسری و همه جانبه، عدم مایحتاج عمومی، افزایش سرسام آور قیمتها، تورم فراگیر، نبود قانون یا عمل نکردن قوانین، نبود ارگان و یا ارگان هایی که بتوانند امور جاری مملکت را اداره کنند، گسترش فساد و بزهکاری تاثیر بسیار منفی در روحیه انسانها گذارده است. انسانها امید به آینده را از دست می دهند. آیا برنامه جدید رئیس جمهور خواهد توانست به این وضع نامتجانم و تیز مبارزه بی امان برسر قدرت پایان داده و خلا حاکمیت را پر کند؟ آینده بسیار نزدیک باید به این پرسش پاسخ دهد.

رنگ ملی گرای و شوونیستی است.

ریژکف خواهان مراعات مطلق قانون شد. باید بدون تاخیر جمعا، اولویت قانون را بپذیریم. و نیز قبول کنیم که این اصل باید در چارچوب قاطع تقسیم اختیارات عمل کند، در هم آمیزی مستقیم کمیته های اجرایی با شوراها اشتباه بزرگی بود. در نتیجه اختلاط وظایف بوجود آمد و ارتباطات عمودی گسیخته شد. عدم حاکمیت بوجود آمده به دفورمسیون کامل و یا بخشی از سیستم اداره مملکت منجر گردید. وضع بحرانی به اقتصاد هم موثر افتاد. یو. آفانسیف، نماینده گروه نمایندگان بین مناطق، او سه طرح قطعنامه برای تصویب ارائه کرد: درباره وضع کشور، درباره دولت، درباره شورای عالی کشور - وی پیشنهاد کرد تایید شود که وضع کشور بسیار حاد و در حال بدتر شدن است. طرح وی در عین تایید فعالیت رئیس جمهور در عرصه بین المللی، پیشنهادی می کند تا عملکرد م. گاربایف در عرصه سیاست داخلی قانع کننده تلقی نشود. او، پیشنهاد کرد تا در اجلاس کنفره نمایندگان خلق عملکرد قانون اساسی که مخالف وضع کنونی کشور و بیانیه مربوط به استقلال جمهوری ماست، متوقف گردد.

در طرح مربوط به دولت، پیشنهاد وی اظهار عدم اعتماد به دولت بود. او همچنین پیشنهاد کرد تا کار پریزیدوم شورای عالی اتحاد شوروی در زمینه رهبری فعالیت قانونگذاری و کنترل کار ارگان های عالی اجرایی غیرکالی تلقی گردد.

و. لیسیتسکی نماینده خلق، وی از برنامه رئیس جمهور حمایت کرد ولی گفت که در سخنرانی

باید هرچه زودتر قانونی در این مورد به تصویب رساند تا ارتشیان بتوانند به وظیفه عظیم خود، یعنی دفاع از امنیت حکومت با خاطری آسوده عمل کنند. ۸- ایجاد شرایط برای عملکرد موثر شوراها. باید با توجه به منافع کشور به رویارویی و رقابت بی حاصل شوراها در شورای عالی پایان داده شود.

میخائیل گاربایف پس از ارائه این هشت ماده گفت: رقتا، تدابیر پیشنهادی من هدفش اجرای وظایف استراتژیک و ادامه تحولات دمکراتیک در کشور است. او از نمایندگان و همه مردم خواست تا برنامه اش را بپذیرند.

پس از ارائه برنامه ریاست جمهوری، بحث پیرامون آن آغاز شد. ما امکان انتقال مجموعه مسائل مطرحه در بحث ما را نداریم و به همین سبب به نقل بخشی از سخنرانی ها اکتفا می کنیم.

ریژکف، نخست وزیر اتحاد شوروی، امروز در حیات سیاسی کشور چه می گذرد؟ روندهای دمکراتیزه کردن در حال پیشروی است و به همراه آن انواع پدیده های منفی هم رشد می یابند که بطور عمده، به همه آنچه در زندگی سیاسی جامعه مثبت است خط بطلان می کشد و حفظ پایه های حاکمیت و مالا سعادت مردم را به خطر می اندازد. کشور به بحران سیاسی و اقتصادی کشانده شده است.

روند عادی منفی شدت می یابد. هنوز تغییرات مثبت به چشم نمی خورد. از سوئی ما ناظر تجلی خودآگاهی ملی، تلاش طبیعی به سوی استقلال، آزادی شخصی، رشد پایه های سیاسی و حقوقی زندگی خود هستیم. از سوی دیگر، در مرکز و در محل ها مبارزه مستمر برسر حاکمیت ادامه دارد که بعضا دارای



## تشدید اختلافها و پی آمدهای آن

خلاصه تفسیری از:

مجله "بیان" ارگان رادیکالها

بزرگشان، "حضرت امام" پایگاههای عمده ای در حاکمیت را از دست داده و از نظر مادی تضعیف گشته بود، سیاست های خود را بهتر پیش ببرند.

این "وحدت" جدید هرچند موقتا استحکام بیشتری و در نتیجه قدرت اعمال نظر بیشتری برای هر دو جناح موصوف دربی داشته است اما شواهد حاکی از کم رنگ شدن روزافزون محوریت "خط امام" در این وحدت جدید، و نیز ابراز تمایل آشکار نسبت به حذف بقایای جناح خط امام از حاکمیت، علانمی است که چشم انداز تاریکی از ادامه این وضعیت را ترسیم می کند.

اگر حذف جناح سوم از حاکمیت، همچنان ادامه یابد، به دلیل آنکه جناح حذف شده بیشترین دفاع را از "خط امام" داشته، دو جناح دیگر با توجه به استمداد دورشدنشان از "خط امام"، سرما به انحراف علنی کشیده خواهند شد. گرچه هم اکنون نیز اصرار چندانی به اینکه ادامه دهنده راه امام خوانده شوند را ندارند.

چنین وضعیتی نهایتا اوضاع را به سمت حذف رسمی "خط امام" در حاکمیت پیش خواهد برد که این خطر بزرگی برای نظام است، هم در زمینه سلامت و صحت روش ها و اهداف، و هم در بقای پایگاه انقلابی و مردمی نظام و حتی نهایتا در بقای خود این جناحها.

از زاویه دیگر، ادامه روند فعلی به احتمال زیاد جناح بندی جدیدی را در پی خواهد داشت.

(مهر و آبان ۶۶ شماره های ۵ و ۶) ۶۶

نازک انقلابی نمایی به راحتی دریده می شود، به یکی از عمده ترین و موثرترین متحدان همان جناح تبدیل شدند.

پس از حذف جریان های لیبرال و ضد اسلام و برقراری حاکمیت یکدست نیروهای خط امام، بتدریج جناح های مختلفی در این نیروها پدیدار شد که در سال های آخر عمر حضرت امام (س) شکلی نسبتا روشن و تاحدی قابل تبیین و تفکیک پیدا کرد.

در زمان حضرت امام (س) به دلیل ویژگیهای ایشان، هیچیک، حتی جناح راست که بمضا بطور آشکار به مخالفت های علنی با نظرات و مشی امام می پرداخت، نمی توانست حساب خود را از "خط امام" جدا کند و بطور کلی همه جناحها زیر همین پوشش قرار داشتند و هرکدام مراتبی و ابعادی از خط امام را نمایندگی می کردند. حضرت امام نیز با زیرپوشش گرفتن تمامی جناحها، وحدت مورد نظر را در میان آنان حفظ می کردند. این وحدت بعد از حضرت امام نیز با اعلام تمهد و میثاق برتداوم راه و "خط امام"، ادامه یافت. اما در عمل با گذشت زمان دو جناح راست

و میانه به هم نزدیک تر شدند و وحدت مستحکم تری بین آنان پدیدار شد و رفتارها نشان داد که هر یک، از موضع خاص خود تصمیم به ایجاد مرزبندی مشخص تری با جناح سوم موسوم به "رادیکال" گرفته اند. درواقع انگیزه کنترل و مهار "رادیکالها" و تعدیل مواضع آنان، عاملی شد برای وحدت دو جناحی که زمانی موضع گیری آشکاری بر علیه یکدیگر داشتند تا بتوانند بدور از مزاحمت جدی این جناح که اکنون به دلیل فقدان حامی

... منادیان وحدت، برای آنکه در دعوت خویش توفیق یابند لازم است واجد شرایطی باشند که مهمترین آنها، "صداقت" و "داشتن اعتقاد و التزام کافی به آنچه حداقل مورد ادعای خودشان است"، می باشد. داشتن چنین خصیصه ای موجب توجه قلوب و افکار، و احساس اطمینان آنها خواهد شد و زمینه های جذب فراهم خواهد گردید، والا صرف ادعا و جاری کردن الفاظ وحدت طلبانه بر زبان کاری از پیش نخواهد برد. فی المثل در آخرین روزهای قبل از انتخابات اخیر، در شرایطی که یک طرف از کلیه امکانات و ملزومات و تریبون های رسمی و غیر رسمی کشور، به عنوانی مختلف استفاده می کرد و طرف دیگر به کلی "پایکوت" بوده و حتی بیانیه های جریان های مدافع آن در مطبوعات و وسائل ارتباط عمومی منتشر و پخش نمی گردید، به ناگاه تمایلات وحدت طلبانه بروز کرد و هرچقدر روز انتخابات نزدیک تر می شد این تمایلات شدت می گرفت تا جایی که در یکی از نشریات، در یک شماره پنج مقاله به اصطلاح وحدت طلبانه درج گردید. در این وضعیت هر خواننده منصفی که اندک هوش سیاسی می داشت، متوجه می گردید که اینگونه استفاده از مفاهیم مقدسی همچون وحدت و پرهیز از تفرقه و مصلحت نظام و انقلاب و... تنها پوششی است برای تطهیر و تبلیغ یک طرف و کوبیدن و تخطئه طرف دیگر.

همانگونه که مشخص گردید اینگونه وحدت طلبی های یکطرفه بخصوص اگر با عوامفریبی همراه باشد نه تنها به امر مورد نظر کمک نمی کند بلکه نقش یک انگیزه منفی قوی را خواهد داشت، بد نیست در حاشیه اشاره شود گردانندگان این روزنامه که تمامی "پرستیژ و حیثیت مطبوعاتی" خود را در سایه برخوردهای آشکار با بخشی از جناح راست کسب کرده اند، در این روزهای آزمایش و امتحان که پوسته های

## قرارداد کاهش ...

دوران تولید سلاح های مدرن تر ندارند و به همین سبب آمادگی خود را برای کاهش آنها اعلام کردند. پوشیده نیست که اکثر کشورهای شرکت کننده در جلسه سران پاریس از مدتها پیش سرگرم ایجاد "نسل جدید" سلاح های بسیار موثر هستند و در این زمینه به پیشرفت های زیادی هم نائل شده اند. در وین این مسئله مهم را مورد بحث قرار ندادند. به همین دلیل خطر مسابقه جدید تسلیحاتی به هیچ وجه برطرف نشده است.

نکته دیگر، کاهش سلاح های عادی شامل در اروپاست و ایالات متحده آمریکا و کانادا از اورال به شرق را در برمی گیرد. بنابراین "سلاح های آینده" - هواپیماها و هلیکوپترها - خارج از حیطه عملکرد پیمان های "ناتو" و "ورشو" انتقال خواهند یافت. وانگهی کاهش سلاحها شامل ۱۲ کشور اروپایی هم نمی شود.

مسئله مهم دیگری که باید پیرامونش سخن گفت وضع در دو پیمان موجود نظامی در اروپاست. "پیمان ورشو" در حال ازهم پاشی است و بعید به نظر می رسد که تا اواخر سال ۱۹۹۱ باقی بماند. اما، اعضای "پیمان ناتو" هنوز در فکر انحلال آن نیستند و دکترین های جدیدی را تدارک می بینند. تصور نمی شود که با وجود یک پیمان نظامی نیرومند در اروپا، توازنی از لحاظ امنیتی بوجود آید، مگر اینکه همه کشورهای اروپایی عضویت در ناتو را بپذیرند. در این صورت می توان پرسید، پیمان نظامی برای مقابله با کدام خطر و چه منظوری؟

اروپا هنوز دارای قدرت نظامی مخربی است. سلاح های هسته ای فرانسه و انگلستان پایگاههای دریایی آمریکا که در آنها ناوهای مسلح با موشک های گوناگون حامل کلاهک های هسته ای لنگر انداخته اند و نیز وجود موشک های استراتژیک حامل بمب های هسته ای در اتحاد شوروی و آمریکا، مهمترین خطر برای بشریت است.

به هر حال سند امضا شده در پاریس گام جدیدی است بسوی کاهش خطر، اگرچه زودتر موافقتنامه های جدیدی پیرامون خلق سلاح دربی داشته باشد.

## ما محکوم می کنیم!

۷ نوامبر سازمان عفو بین المللی اعلامیه ای درباره ترور سیاسی مخالفان رژیم جمهوری اسلامی منتشر ساخت. در اعلامیه از جمله گفته می شود، روز ۲۳ اکتبر، سیروس الهی، یکی از اعضای مهم سازمان درفش کاویانی در سرسرای ساختمان خود در پاریس به قتل رسید. ما، این عمل ضد بشری رژیم خودکامه جمهوری اسلامی را شدیداً محکوم می کنیم.

## قرارداد کاهش سلاح های عادی در پاریس امضا شد

۲۱-۱۹ نوامبر رهبران دولت های ۲۴ کشور - شرکت کنندگان در "مشاوره درباره امنیت و همکاری در اروپا" - در پاریس گرد هم آمدند و به گفته سیاستمداران اسناد بسیار مهمی را امضا کردند.

خاطر نشان می سازیم که نخستین جلسه سران در سال ۱۹۷۵ در هلستینکی تشکیل شد و بدینسان آنچه که "روند همه اروپایی" نامیده می شود، آغاز گردید.

پس از پایان جلسه سال ۱۹۷۵، کشورهای عضو دو سازمان نظامی - "ناتو" و "ورشو" - و نمایندگان دیگر کشورها شاید صدها جلسه برای کاهش تجهیزات عادی نظامی در وین تشکیل دادند. البته در این مدت مسابقه تسلیحاتی آبی قطع نشد. اینک پس از ۱۵ سال مذاکره و بحث قراردادی برای امضا آماده شده است.

درواقع جلسه سران کشورهای شرکت کننده در "مشاوره درباره امنیت و همکاری در اروپا" می بایست در سال ۱۹۹۲ تشکیل می شد. اما، چندی پیش میخائیل گارباچف پیشنهاد کرد تا چنین جلسه ای در سال ۱۹۹۰ سازمان داده شود. میتران رئیس جمهور فرانسه از این پیشنهاد حمایت کرد. بعدها ۱۲ کشور عضو بازار مشترک هم در جلسه ۲۰ فوریه ۱۹۹۰ با پیشنهاد تشکیل کنفرانسی در ۵ ژوئن ۱۹۹۰ موافقت به عمل آوردند که تشکیل شد.

۱۰ اوت در وین جلسه کمیته تدارک آغاز به کار کرد و بالاخره ۱ و ۲ اکتبر در نیویورک وزرای ۲۴ کشور اعضای "مشاوره درباره امنیت و همکاری در اروپا"، یعنی همه کشورهای اروپایی به اضافه آمریکا و کانادا، دستور روز و تاریخ تشکیل جلسه سران در پاریس را به تصویب رساندند.

چند روز قبل از تشکیل جلسه، نمایندگان کشورهای شرکت کننده در

مذاکرات وین متن قرارداد را پاراف کردند که در پاریس به امضای ۲۲ تن از سران کشورهای اروپایی امضای "ناتو" رسید. ۱۲ نفر از روسای دیگر کشورها در جلسه تشریفاتی به عنوان ناظر شرکت داشتند.

به عقیده سیاستمداران اسناد امضا شده درباره خلع سلاح هم از لحاظ تعداد کشورهای امضا کننده و هم از لحاظ چارچوب کاهش تسلیحات در تاریخ بی نظیر بوده است. می گویند این قرارداد امکان ایجاد برابری و رفع خطر حمله ناگهانی را فراهم خواهد آورد.

اعضای "ناتو" و "ورشو" بیانیه مشترکی درباره اینکه دولت های عضو این دو پیمان پس از این روپاروی هم قرار نخواهند گرفت، منتشر کردند در بیانیه گفته می شود نباید علیه تمامیت ارضی کشورها نیروی نظامی بکار برد.

بدون شك، رویداد پاریس دارای اهمیت است. اما، واقعا نیز اسناد امضای شده در پاریس خطر را مرتفع می کند؟ این پرسش هم اکنون از جانب کارشناسان و مفسران مسائل نظامی مطرح می شود. درواقع هم در پاریس خاطر نشان شد که اسناد امضا شده باید راه را برای يك سلسله موافقتنامه های جدید درباره خلع سلاح باز کند.

کدام سلاحها کاهش می یابد؟ اینکه سران دولتها به این نتیجه رسیدند که باید به مذاکره پیرامون خلع سلاح با شرکت همه نمایندگان ۲۴ کشور ادامه داد، دلیل روشن تا تمام ماندن روند واقعی خلع سلاح است. آنچه در این مرحله باید کاهش یابد بطور عمده عبارتند از تانکها، زره پوشها، توپها و هواپیمایا و هلیکوپترها یعنی به اصطلاح آن سلاح هایی که به تجهیزات پورشی معروفند. کدام نوع از این سلاحها کاهش خواهد یافت؟ البته نوع کهنه شده. هر دو طرف نیازی به اینگونه سلاحها در

ادامه در ص ۷

## سازمان تروریستی برای چه؟

پیش نخست وزیر ایتالیا اطلاع داد که ۱۲۷ انفجار اسلحه در سال ۱۹۷۳ از بین برده شد، اما تاکنون ۱۲ انفجار مخفی دیگر موجود است.

روزنامه "ولت" می نویسد که تا سال ۱۹۵۹ عملیات "گلا دیو" سراسر اروپای غربی و از جمله کشورهای بی طرفی مانند سوئد و سوئیس را فراگرفت. جالب است که نمایندگان رسمی در واشنگتن وابستگی "گلا دیو" به "سیا" را تکذیب کردند و آن را "یک عملیات صرفا ایتالیایی" نامیدند. اما،

سخنگویان دولت آلمان فدرال به وجود چنین سازمانی در کشورشان اعتراف کردند و گفتند که این سازمان با تعداد کمی افراد مسلح هم اکنون نیز عمل می کند. وزیر دفاع بریتانیا از دادن پاسخ به پرسش خبرنگاران خودداری کرد. او گفت، "ما درباره مسائل سری بحث نمی کنیم". وزیر دفاع ملی بلژیک، شاخه بلژیکی "گلا دیو" را یک عمل منسوخ نامید و اظهار داشت، در نخستین جلسه کابینه پیشنهاد از بین بردن آن را مطرح خواهد کرد.

به نوشته رسانه های گروهی "گلا دیو" به دستور سازمان های امنیتی کشورهای اروپای غربی عملیات تروریستی را نیز مرتکب شده است. روزنامه ها تروریستی را که در آستانه انتخابات در ایتالیا روی می داد به این سازمان نسبت می دهند.

به هرحال، پس از گذشت دهها سال، مردم کشورهای اروپای غربی تازه می فهمند که گروههای تروریستی تا دندان مسلح شب و روز مواظب حرکات آنها بوده اند.

روشن است که ترس از حمله "شوروی" فقط بهانه ای برای ایجاد سازمان تروریستی "گلا دیو" بود. حال این پرسش مطرح می شود، به اعتراف رهبران دولت های اروپای غربی "جنگ سرد" پایان یافته و "خطر شوروی" هم وجود ندارد، در این صورت علت نگرانی سازمان های گوناگون "گلا دیو" در اروپا برای چیست؟

هفته گذشته رسانه های گروهی جهان ناگهان وجود سازمان تروریستی به نام "گلا دیو" (شمشیر) را در اکثر کشورهای اروپای غربی منتشر ساختند. و مطالب بسیاری درباره این سازمان نوشتند. برخی از سران دولتها حتی خواستند وجود چنین سازمانی را انکار کنند. اما، اعتراف رئیس سابق سازمان "سیا"، ویلیام کلی که هدفش آرام کردن افکار عمومی بود، گوشه هایی از حقایق را برملا کرد.

کلی گفت که "سیا" واقعا هم در کشورهای اروپای غربی، شبکه زیرزمینی مسلح گسترده ای را برای "جنگ های پارتیزانی" در اروپا در صورت بروز جنگ، سازمان داده است. او، در سلسله مصاحبه های مطبوعاتی با نمایندگان رسانه های گروهی اروپا اعتراف کرد که شخصا در ایجاد "گلا دیو" در کشورهای اروپایی شرکت داشته است. بویژه، در سال ۱۹۵۱ وی برای سازمان دادن "گلا دیو" در کشورهای اسکاندیناوی به استکهلم سفر کرد.

کلی که از سال های ۱۹۷۳-۱۹۷۶ ریاست سازمان "سیا" را به عهده داشت به خبرنگاران اطلاع داد که ایالات متحده آمریکا برای جلوگیری از وارد شدن کمونیستها به رهبری ایتالیا، مبالغ هنگفتی به حزب دمکرات مسیحی و دیگر احزاب راست ایتالیا داد.

مطبوعات آمریکایی در تفسیر اظهارات کلی می نویسند، در بجهوه "جنگ سرد" در رهبری "سیا" و رهبران برخی از کشورهای عضو ناتو، فکر ایجاد "نیروهای مقاومت" برای مقابله با "تجاوز کمونیستی" جان گرفت. بویژه چنین گروههایی در شمال ایتالیا، در سرحد یوگسلاوی با سرعت سازمان داده شدند. به موجب اعتراف سخنگویان دیگر کشورهای اروپای غربی، سازمان های مشابه، در اکثر کشورها و از جمله آلمان غربی، یونان، فرانسه، هلند، بلژیک و لوکزامبورگ بوجود آمدند. هزینه مالی عملیات "گلا دیو" از جانب "سیا" تامین می شد. انفجارهای ویژه اسلحه برای آنها تهیه دیده شد. چند روز

NAMEH MARDOM

Central Organ of the Tudeh Party of Iran

NO : 337  
November 27 1990

ADDRESSES 1- P.B. 49034 10028 Stockholm 49 Sweden  
2- Dr.W.Silbermayer,PF.398,A-1141 Wien, Osterreich

نامه مردم

بها: ۲۰ ریال